

این مقاله نگاهی دارد به یکی از مهم‌ترین نهادهای مردمی که در جامعه مدنی شکل می‌گیرد، لیکن برای سهیم شدن در قدرت حداقل در سطوح میانی، می‌کوشد و در فرجام به نهادی بینابینی بدل می‌گردد. این نهاد از آن روی بینابینی است که یک پای در حکومت دارد و پای دیگر در جامعه مدنی. لذا شورا نماد عرصه توافق است. شورا محل جمع‌بندی و یک‌کاسه کردن هزاران تقاضای پراکنده شهروندانی است که با آرای خود به این نهاد سراسری جان بخشیده‌اند. مفهوم «سراسری» در اینجا به معنای جغرافیایی یا مکانی به کار نرفته است، بلکه از آن معنا و بار سیاسی مستفاد می‌شود. یعنی گرچه هم شهروندان و هم افرادی که به‌وسیله آنها به عضویت شورا نایل می‌گردند، می‌توانند و حق دارند، دیدگاه‌های سیاسی گوناگونی داشته باشند (در بسیاری از موارد احزاب سیاسی، نمایندگان خود را معرفی می‌نمایند و برای پیروزی آنان گاه به جان می‌کوشند. از این رو ممکن است تمامی اعضای شورا یا شوراهای تماماً عضو یک حزب سیاسی باشند یا در حالت دیگر اکثر اعضای آن در حزبی مفروض و اقلیت آن در حزب دیگری عضو باشند). اما مهم آن است که در زمان عضویت و فعالیت در شورا تمایلات حزبی و جناخی خود را دخالت ندهند زیرا شورا پس از شکل‌گیری، به تمامی شهروندان (با هر گرایش) تعلق دارد. در بسیاری از کشورها عضویت در شوراهای کاملاً حزبی است، اما حزب پیروز با انجام صحیح وظایف در قبال تمامی شهروندان، برای حزب خود تبلیغ می‌کند تا در انتخابات بعدی مجدداً برگزیده شود. این است معنای شورا به‌عنوان نهادی سراسری.

پس موضوع اصلی مقاله مرور معنا، ماهیت، زایش و رویش این نهاد مردمی، یعنی شورا است. در پایان کوشش خواهد شد تا به کاستی‌ها و مشکلات شورا در ایران نظر افکنده و به برخی از دلایل کاستی‌های یادشده اشاره و تا حد امکان راه‌های برون‌رفت از مشکلات فراروی شورا برشمرده شود. تمامی این حرف و حدیثها فقط برای تحقق آرزوی جوانانه نیز به حساب نمی‌آید، طرح می‌گردد و آن به‌روزی سرزمینی است که در آن زاده شده و بالیده‌ایم و بدان سخت مدیونیم. دینی که هرگز ادا نخواهد شد.